

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد بدین بوم ویر زنده یک تن ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

بیستم اگست 2013

گریستم

با تصویری از لبخند ظاهرگونه تو کنار آبشار صاف هستی رفتم تا فریادم
را جنون آسا در دل آبی بی باکش به امانت دهم و ضمیر غمبارم را یکبار
دگر بدست معجزه عشق بسپارم.

یادم از نگاه تو آمد، یادم از زمزمه بیرنگ صدای تو آمد، یادم آمد که
چگونه مرا در توصیفگاه دل و دیده و زبانت، بدست هجوم والاترین واژه
های زیبای تعریف میسپردی و شکستن ستون های وعده و وفایت را دور
از هر نوع امکان میگفتی.

یادم آمد زمانی که کیوتر نگاهت آهنگ آخرین پرواز مینمود، شاخه دلم
میشکست. همه خاطره ها و یادها یادم آمد. از ملالت و درد لبریز شدم و
در انتظار بارش تندی از کرانه های ابرآلود چشمانم، قلب خشکیده من
تپیدن گرفت

آه! گریستم بعد سالها گریستم و صدایم در دهکده ویران دلم پیچید و
باز یاد دیگری ماندگار گذاشت.

(ناهید "غزل" غنی زاده)